

چطور می‌توان جلوی ایده امنیتی سازی همسایه شمالی را گرفت؟

# دیپلماسی و تعریف پروژه‌های مشترک با باکو

علی فلاحي

خبرنگار گروه سیاست

تنش آفرینی‌های دولت الهام علی‌اف، بی‌شک آذربایجان را به یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی و سیاست خارجی کشور ما در سال‌های اخیر تبدیل کرده، حتی در زمانی که دستگاه دیپلماسی کشور ما بر اصلاح حداکثری روابط با همسایگان تمرکز کرده است و شاهد اصلاح نسبی روابط با کشوری مانند عربستان سعودی بودیم، سطح تنش‌ها در مرزهای شمال غربی کشور همچنان فروکش نکرده است. شروع جنگ قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان هم نقطه عطفی بر این تنش‌ها بود. یکی از اهدافی که آذربایجان از شروع جنگ با دیگر همسایه شمالی ما دنبال می‌کرد، ایجاد کریدور رنگه‌زور بود. درصورتی‌که این هدف علی‌اف محقق شود، ارتباط زمینی ایران با ارمنستان قطع می‌شود و ترکیه برای ارتباط زمینی و دریایی با شرق و همچنین آذربایجان برای ارتباط زمینی با اروپا، از ایران و روسیه بی‌نیاز خواهند شد. از طرف دیگر علی‌اف و برخی دیگر از مقامات آذربایجان چندین‌بار در اظهارنظرهایی تمامیت ارضی ایران را تهدید کرده‌اند که ایران نیز بارها به اتخاذ این ادبیات از جانب دولت علی‌اف واکنش نشان داده و سطح این واکنش‌ها را نیز حتی تا حد برگزاری رزمایش نظامی در مرز آذربایجان پیش برده است. نزدیک دولت علی‌اف و رژیم صهیونیستی و گسترش همکاری‌های نظامی بین این دو کشور، عامل دیگری بر افزایش اختلافات ایران و آذربایجان بوده است. علاوه‌بر این موارد در بهمن سال گذشته سفارت جمهوری آذربایجان در ایران مورد حمله فردی مسلح قرار گرفت که درنهایت منجر به تعلیق فعالیت‌های این سفارتخانه توسط دولت باکو شد که تا همین امروز هم ادامه‌دار بوده است. در چنین شرایطی دیروز شاهد اولین سفر یک مقام رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران به آذربایجان بعد از این حادثه بودیم. پرسش بسیار مهمی که بعد از این سفر پیش روی ماست، این است که آیا دیدار امیرعبداللهیان و الهام علی‌اف در باکو می‌تواند سرازغاز روند کاهش تنش‌ها با همسایه شمال غربی باشد یا دولت علی‌اف همچنان بر ادامه روند سال‌های اخیر خود پافشاری می‌کند؟

### مهم‌ترین اختلاف تهران و باکو

یکی از مهم‌ترین مناقشات بین ایران و آذربایجان تلاش چندسسال اخیر باکو برای احداث دالان زنگرور است. دالاتی که تاسیس آن مرزهای جغرافیایی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا ایران مانعی به نام آذربایجان را همواره در مسیر عبوری خود از ارمنستان به سمت اروپا و روسیه ببیند. این مسیر بخشی از کریدور شمال- جنوب محسوب می‌شود. تکمیل پروژه شمال به جنوب باعث می‌شود تا روسیه از طریق ایران به اقیانوس هند دسترسی پیدا کند. احداث دالان زنگرور تاکنون بارها با واکنش منفی ارمنستان مواجه شده و ایران نیز مخالفت خود با تغییر مرزها را ابراز داشته است. هدف دیگر باکو از تاسیس دالان زنگرور این است که اول مسیر دسترسی زمینی به نخجوان پیدا کند و ثانیاً آذربایجان به پلی برای اتصال ترکیه به دریای خزر و از آن طریق به ترکمنستان متصل شود. این اتصال باعث می‌شود تا مقدمات احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به آذربایجان و ترکیه فراهم شود. این خط لوله می‌تواند در جهت تامین انرژی مورد نیاز ترکیه موثر واقع شده و در جهت صادرات انرژی به اروپا کارایی داشته باشد. به همین دلیل نیز ترکیه در نبردهای اخیر بین ارمنستان و آذربایجان تلاش داشته در قامت مدافع تمام‌قد با کو ظاهر شود. امتداد خط لوله گاز ترکمنستان به اروپا نوعی در سب

## گفت‌وگو



زهرآ طیبی

خبرنگار گروه سیاست

**روز گذشته امیرعبداللهیان با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان برای ازسرگیری روابط دوکشور در باکو ایزرینی و گفت‌وگو کردند. به همین بهانه برای بررسی چالش‌های توسعه تعاملات ایران و آذربایجان با احسان موحدیان، کارشناس مسائل قفقاز گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.**

#### در برقراری روابط با آذربایجان غفلت کردیم

موحدیان درباره این نکته که نفوذ اسرائیل در آذربایجان چه پیامدهایی برای ما دارد، گفت: «نفوذ اسرائیل در منطقه، بحث امروز و دیروز نیست. یکی دوسال بعد از استقلال آذربایجان در سال ۹۳ سفارت اسرائیل در این کشور تاسیس شد. از همان ابتدا می‌شد حدس زد که تاسیس سفارت در کشوری که همسایه ماست و می‌تواند متحد ایران در منطقه قفقاز باشد که ایران به منافش دست پیدا کند، اهدافی پشت‌پرده دارد. منتها به این مساله اندکی بی‌توجهی شد و با توجه به اتفاقات مثبتی که بعد از استقلال آذربایجان ایجاد شد، ایران تصور می‌کرد که عملاً آذربایجان همسویی کامل با ایران دارد و خیلی نباید کار خاصی کرد و ارتباطات به‌طور طبیعی حفظ می‌شود. این غفلت باعث شد، اسرائیلی‌ها در آذربایجان سفارت بزنند و شروع به سرمایه‌گذاری کنند. ابتدا مردم آذربایجان توجهی به این کشور نشان نمی‌دادند، اسرائیل یک طرح ۳۰ساله در آذربایجان ایجاد کرد و به نفوذ در رسانه‌های آذربایجان، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، مدارس به‌خصوص در دودخه اخیر پرداخت. این اقدامات منجر به اعمال نفوذ

انرژی این قاره ایجاد کرده و از میزان وابستگی اروپا به روسیه خواهد کاست. ایجاد کریدور میانی هدف دیگری است که ترکیه از وصل شدن به دریای خزر به دنبال آن است. آنکارا در نظر دارد تا از این طریق به قزاقستان و در ادامه به چین وصل شود. چنین کریدوری ایران را از مسیر ترانزیتی شرق به غرب حذف خواهد کرد. البته سختی‌های انتقال کالا از خشکی به دریا و مجدداً از دریا به خشکی باعث می‌شود تا ایران همچنان بتواند مزیت استراتژیک خود برای حمل‌ونقل سریع را حفظ کند اما عدم توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل می‌تواند سایر کشورها را قانع کند که از مسیر پیشنهادی ترکیه تردد کنند. اختلاف منافع اقتصادی تهران با باکو و آنکارا و نیز احتمالی مانع‌تراشی آنها در مسیر کریدور شمال جنوب باعث می‌شود تا ایران با جدیت بیشتری بر جلوگیری از تغییر مرزهای جغرافیایی اصرار ورزد. این اختلاف منافع و تلاش طرفین بر تحقق اهداف خود البته بدون هزینه نیز نبوده و ممکن است در مواردی به ایجاد تنش نیز بینجامد.

#### حراست از منافع ملی و جلوگیری از تشدید تنش در گرو گسترش همکاری

علاوه‌بر قدرت نظامی عامل دیگری که باعث می‌شود کشورها کمتر به سمت ایجاد تنش با یکدیگر بروند گسترش مراودات اقتصادی است. از آنجایی که دغدغه ترکیه و آذربایجان از تاسیس کریدور زنگرور ایجاد بستری برای حمل‌ونقل و تامین انرژی است ایران می‌تواند در هر دوزمینه با این دولت‌ها همکاری کرده و احساس نیاز به یک کریدور جدید را کم‌رنگ کند.

بدیهی است که مسیر حمل‌ونقلی زمینی به‌مراتب کم‌هزینه‌تر از مسیر است که بخشی از آن در دریا و بخش دیگر در خشکی باشد چراکه در یک مسیر یکپارچه زمینی دیگر نیازی به چندین بار عملیات تخلیه و بارگیری وجود ندارد. ایران با ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقلی و ارائه تسهیلات می‌تواند باکو و آنکارا را ترغیب کند که به جای استفاده از یک مسیر پرهزینه از ایران تردد کنند، به این ترتیب ایران نیز از مسیر کریدوری مشترک حذف نمی‌شود. گسترش پروژه‌های سوآپ گازی باعث می‌شود تا اولاً هزینه‌های احداث، نگهداری و

تعمیرات هزاران کیلومتر خط لوله به کشورها تحمیل نشود و ثانیاً حجم بیشتری از انرژی نیز بین کشورهای طرف قرار ادا جابه‌جا شود. قرارداد سوآپ گازی بین ترکمنستان، ایران و آذربایجان که اخیراً به امضا رسید این مزیت را همچنین در اختیار ایران قرار می‌دهد که به جای متحمل شدن هزینه‌های انتقال انرژی از جنوب به شمال کشور بتواند انرژی مورد نیاز مصارف خانگی و نیروگاهی را از فواصل نزدیک‌تری تامین کند؛ چنین مزیتی ایجاب می‌کند که ایران توجه ویژه‌ای به ایجاد زیرساخت‌های مشترک همسایگان خود نشان دهد تا آنها واقع کند که به‌جای پروژه‌های پرهزینه و خودخوانه‌به‌سمت گسترش روابط به دولت‌هایی بروند که با آن پیوندهای تاریخی دارند. این امر تا حد زیادی بهانه‌ها برای ایجاد تنش را از بین برده و دولت‌های منطقه را به یکدیگر نزدیک می‌کند؛ امری که قطعاً خوشایند دولت‌های متخاصم عبری و غربی نخواهد بود.

#### تمام مسیرهای ممکن فعال شوند

اتکای ایران به ارمنستان به‌عنوان تنها مسیر اتصال به روسیه و اروپا باعث می‌شود تا درصورت ایجاد بحران‌های منطقه‌ای احتمال انسداد در مسیر ترددی به وجود آمده و منافع کشور در خطر قرار گیرد. افزایش تمام ظرفیت‌های حمل‌ونقلی اولاً باعث می‌شود تا دست کشور در چنین مواقعی بسته نماند و ثانیاً نوعی در مسیرهای ترانزیتی ایجاد شده و مقاصد مختلفی در دسترس قرار گیرد. این امر هم بر رونق اقتصادی کشور موثر بوده و هم مسایر دولت‌ها را ترغیب می‌کند که از ظرفیت‌های حمل‌ونقلی ایران بهره‌برند. ایران باید علاوه‌بر مسیر ارمنستان سایر مسیرهای ممکن برای تبدیل شدن به‌پل ارتباطی شمال و جنوب را نیز فعال کنند. افزایش زیرساخت‌های بندری و امکانات حمل‌ونقلی در دریای خزر و نیز یارینی با کشورهای شرق دریای خزر برای ایجاد یک مسیر ترانزیتی زمینی ازجمله این الزامات است. علاوه‌بر این ایران با سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های ریلی غرب کشور از جمله پروژه خرمشهر-بصره می‌تواند مسیر جدیدی را به سمت غرب کره زمین روی خود بگشاید. مسیری که از طریق عراق به سوریه و ترکیه و بعد هم به مدیترانه وصل می‌شود. بی‌توجهی به



مسیرهای ترانزیتی منجر به محدودیت صنعت حمل‌ونقل ایران شده و دولت‌های معاند را ترغیب می‌کند تا برای تحریم هرچه بیشتر ایران درصدد مسدودسازی گلوگاه‌های اتصال کشور به جهان برآیند.

#### نقشه‌های تل‌آویو و حدی که باکو باید رعایت کند

یکی از عواملی که موجب افزایش حساسیت‌ها نسبت به آذربایجان در داخل کشور شده توسعه روابط این کشور با رژیم صهیونیستی در سه‌دهه گذشته بوده است. رژیم از ۳۰ سال پیش سفارت خود در باکو را افتتاح کرده است و سفارت آذربایجان هم سه‌ماه پیش در سرزمین‌های اشغالی آغاز به کار کرد. امروز باکو و تل‌آویو در زمینه‌های مختلفی با یکدیگر همکاری گسترده دارند. رژیم صهیونیستی بخش عمده‌ای از نفت مورد نیاز خود را از باکو تامین می‌کند و باکو از بزرگ‌ترین واردکنندگان سلاح از رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌آید. گرچه سطح بالای روابط آذربایجان با رژیم در بین کشورهای اسلامی نادر است و حتماً می‌تواند منشأ خطرانی برای منافع کشورمان باشد اما باکو اولین همسایه ما نیست که روابط نزدیکی با تل‌آویو برقرار می‌کند. به‌طور مثال علی‌رغم علاقه اردوغان به پرچمداری مساله فلسطین در جهان اسلام و تهاجمات لفظی‌اش به اشغالگران قدس، ترکیه نیز در سال‌های گذشته روابط بالایی با رژیم صهیونیستی داشته است. تل‌آویو با اقلیم کردستان عراق روابط بسیار خوبی دارد و علاوه‌بر اینکه مسترتی جدی نفت کردهاست، بارها از استقلال اقلیم از عراق حمایت کرده است. رژیم حتی بارها از خاک اقلیم برای فعالیت‌های اطلاعاتی علیه ایران اقدام کرده که البته ایران نیز با موشکیارن پایگاه‌های مוסاد در کردستان عراق در اسفندماه ۱۴۰۰ به بخشی از این ماجراجویی‌ها پاسخ داد. در چنین شرایطی بیش از آنکه اصل ارتباط باکو و تل‌آویو محل توجه باشد باید به این مساله پرداخت که در هر صورت نباید از خاک آذربایجان علیه کشور ما اقدامی صورت گیرد. مساله‌ای که بارها توسط مسئولان کشور ما بر آن تاکید شده و باکو نیز بارها به تهران اطمینان داده است که اجازه رخ دادن این اتفاق را نخواهد داد؛ موضوعی که در دیدار روز گذشته وزیر امور خارجه کشورمان با رئیس‌جمهور آذربایجان، بار دیگر

مورد تاکید الهام علی‌اف قرار گرفت. گرچه این مواضع سران آذربایجان اتفاق مثبتی محسوب می‌شود اما بدیهی است که ایران نباید به ضمانت‌های لفظی مقامات باکو اکتفا کند و تمهیدات لازم برای مقابله خرابکاری‌های احتمالی از خاک آذربایجان توسط دستگاه‌های مختلف اندیشیده شود. مواضع دستگاه دیپلماسی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که تا جای ممکن از سوءاستفاده اسرائیل از خاک آذربایجان جلوگیری کند و درصورتی‌که چنین اتفاقی رخ دهد نباید با مماشات با آن برخورد کرد. نحوه تعامل ایران با مقامات اقلیم کردستان نمونه قابل قبولی از این جهت به‌شمار می‌آید. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ایران در واکنش به تحرکاتی که توسط صهیونیست‌ها و البته تروریست‌های مستقر در کردستان علیه کشورمان صورت گرفته بود بعد از تذکرات مکرر به مقامات اقلیم، بارها مواضع ضدایرانی در کردستان عراق را مورد هدف قرار داد و آذربایجان هم باید متوجه عواقب سوءاستفاده از خاکش علیه مواضع ایران باشد.

#### ماجرای بلیت یک‌طرفه تیرانا- باکو چیست؟

بعد از اینکه پلیس آلبانی طی چند مرحله با مناقین مستقر در خاک این کشور برخورد کرد و با توجه به شرایط سختی که برای این تروریست‌ها در تیرانا و کمپ اشرف رقم خورده بود، گمانه‌زنی‌های درمورد مقصد جدید مناقین در فضای رسانه‌ای صورت گرفت. این گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن بود که با توجه به روابط خوب فرقه رجوی با رژیم صهیونیستی، ممکن است تل‌آویو از نفوذش در آذربایجان استفاده و مقرر جدیدی برای آوارگان تیرانا در نزدیکی ایران دست‌وپا کند. طبیعتاً چنین نقل مکانی هم برای اسرائیل و هم برای مناقین بسیار مطلوب خواهد بود، زیرا این فرقه با نزدیکی هرچه بیشتر به ایران می‌تواند اقدامات تروریستی خود علیه کشورمان را با تسلط بیشتری از سر بگیرد. اما جدا از اینکه این گمانه‌زنی چقدر صحت داشته باشد، حتی انتشار چنین شایعه‌ای نیز برای تل‌آویو مطلوب است، زیرا می‌تواند با استفاده از چنین اقداماتی به اختلافات بین باکو و تهران بیش از پیش دامن بزند. اما با توجه به شرایط موجود منطقه چنین خبری به منطقی به‌نظر نمی‌رسد. نامحتمل بودن این سناریو که بعید نیست دستپخت مراکز رسانه‌ای تل‌آویو باشد، دو دلیل عمده دارد؛ اول همان‌طور که در هفته‌های گذشته دیدیم نفوذ استراتژیک و دیپلماتیک ایران باعث شد به مناقین در فاصله دوهزار کیلومتری از خاک ایران ضربات سختی وارد شود؛ بدیهی است که وارد آوردن چنین صدماتی به تروریست‌های رجوی در نزدیکی خاک ایران کار به‌مراتب ساده‌تری برای ایران خواهد بود. آنچه در سال گذشته بر سر تروریست‌های مستقر در اقلیم کردستان آمد، شاهد خوبی برای این گزاره است. دلیل دوم این است که علی‌اف به‌خوبی از خطرات استقرار مناقین در خاک خودش آگاه است و بسیار بعید به‌نظر می‌رسد برای حمایت از چنین فرقه تاریخ مصرف گذشته‌ای حاضر شود هزینه گسترش افزایش تنش‌ها با ایران را بپردازد. باکو حتماً متوجه است که حمایت از فرقه رجوی و استقرار آنها در خاک آذربایجان چه خطری برای این کشور خواهد بود و چه صدماتی به برنامه‌های بلندپروازانه سیاسی و اقتصادی علی‌اف وارد خواهد کرد. علی‌رغم اظهارات تنش‌زا مقامات آذربایجانی، باکو ترجیح داده که برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود حد تنش را با ایران بالا نبرد. تاکید رئیس‌جمهور آذربایجان مبنی‌بر عدم اجازه سوءاستفاده از خاک کشورش علیه ایران نیز همین گزاره را نشان می‌دهد. با توجه به نکات مذکور بعید است چنین شایعه‌ای اساساً صحت داشته باشد و به‌نظر می‌رسد این روزها چنین اخباری تنها با هدف تنش‌زایی بین ایران و همسایه شمالی‌اش منتشر و دست‌به‌دست می‌شوند.

احسان موحدیان، کارشناس مسائل قفقاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

## بازسازی روابط با آذربایجان بر مبنای منافع مشترک

کتاب‌های روشنگر تحریفات تاریخی و مذهبی و سریال، شعر و موسیقی تولید کنیم و اگر راه نفوذ فیزیکی بسته است از طریق اینترنت در دسترس قرار بگیرد. در آذربایجان هم آدم‌هایی هستند که دوست دارند با ما همکاری داشته باشند، می‌توانیم با همفکری آنها شبکه‌هایی ایجاد کنیم و از طریق اینترنت به این افراد متصل شویم و آنها از این طریق از رواج تحریفات در این کشور جلوگیری کنند.» موحدیان در رابطه با اینکه در حوزه اقتصادی لازم است چه اقداماتی در برقراری روابط با آذربایجان انجام دهیم، گفت: «در حوزه اقتصادی، ما نباید مسیرهای رفت‌وآمد و کریدورهای انتقال کالا و انرژی مان را به آذربایجان وابسته کنیم. یعنی علاوه‌بر اینکه بخواهیم از طریق راه‌آهن رشت-آستارا به آذربایجان متصل شویم و مسیر کریدور شمال به جنوب را تکمیل کنیم، باید از ظرفیت دریای کاسپین هم استفاده کرده یعنی باید در کشور شنارهایی نیز ساخته شود و از طریق دریا بدون اینکه آذربایجان بخواهد کامیون‌های ایرانی را در مرزش معطل کند، اقلامی که می‌خواهیم را مستقیم به روسیه صادر کرده و را از این راه منتقل کنیم. از این طرف هم مرز اینچه‌برون وجود دارد که اگر مسیر راه‌آهن تکمیل شده و اینچه‌برون به شاهرود و راه‌آهن سراسری وصل شود و از آن طرف هم به‌سمت ترکمنستان برود، در واقع سه مسیر کریدوری طی می‌شود. از طریق ارمنستان هم با ارتقای زیرساخت‌های جاده‌ای و ساخت ریل می‌توان این مسیرها را متنوع‌تر کرد. درواقع نباید تنها وابستگی مان به آذربایجان برای انتقال کالا و انرژی از چین به اروپا باشد.»

این کارشناس حوزه قفقاز، از لزوم جلوگیری از قطع روابط با ارمنستان هم گفت و توضیح داد: «ایران از طرفی هم باید از قطع مرزش با ارمنستان جلوگیری کند که از طریق ایجاد مانورهای نظامی و فعالیت‌های بیشتر کنسول‌گری ایران در ارمنستان، امکان محقق کردن این امر را دارد. از طرفی هم ایران با حضور اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی و نظامی در جنوب ارمنستان می‌تواند از تحقق نقشه‌هایی که ترکیه، ناتو، باکو و اسرائیل کشیدند برای اینکه مرز ایران و ارمنستان را قطع و نوار مرزی ۲۸ کیلومتری را اشغال کنند، جلوگیری کند.»

#### شاید مناقین به آذربایجان بیایند، شاید هم آذربایجان در محاسباتش دقت کند و این کار را نکند

موحدیان در انتها هم به احتمال استقرار مناقین در آذربایجان اشاره کرد و در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه روابط اسرائیل و آلبانی زمینه‌ای برای استقرار مناقین شد و حالا هم این گمانه مطرح می‌شود که ممکن است مناقین بعد از اتفاقات اخیر به آذربایجان منتقل شوند، چقدر این گزاره محتمل است، گفت: «با توجه به رفتارهای اخیر باکو و چند نشست و ارتباطی که رضا پهلوی در آذربایجان داشته و اینکه نر رضا پهلوی هم اخیراً به آذربایجان رفته و خود علی‌اف هم به آلبانی رفت و رئیس‌جمهور آلبانی هم به آذربایجان آمده و این تعامل و رفت‌وآمد وجود داشته و فضا برای آنها در آلبانی سخت شده و من خیلی محتمل می‌دانم که مناقین به آذربایجان بیایند؛ هرچند خیلی ضعیف شده‌اند. شاید هم آذربایجان در محاسباتش دقت کند و این اقدام را انجام ندهد، اما چون بارها نشانه‌هایی از همدستی اسرائیلی‌ها و گروهک مناقین و رضا پهلوی با تجزیه‌طلب‌های پان‌ترک دیدیم، بعید نیست اینها این کار را انجام دهند.»